



مشکل دیگری
که اهالی آن را
مطرح می کنند،
نداشتن فضای
سبز است. آن ها
برای اینکه
ساعتی در فضای
سبز، خستگی کار
روانه را از تن
به در کنند، باید
از محله خود به
سایر محلات
بروند

منتظر ماند و به گفته اهالی، آن ها که خودشان در میان همین کمبود امکانات و مشکلات به دنیا آمدند و بزرگ شدند، شاید برای فرزندانشان این طرح ها اجرا شود!.

داشته باشیم، بعد از کلی معطلی در ترافیک به مصدوم می رسد. البته اهالی هم از نبود در مانگاه در محله شکایت دارند و حاج آقا بسکابادی که از قدیمی های محله است، می گوید: «در محله یک خانه بهداشت داریم که تابلوی در مانگاه را بر سر درش دارد، اما فقط به نوزادان و مادرها خدمات می دهد؛ یعنی حتی تزریقات هم ندارد. در ماه فقط برای سالمندان کنترل فشار خون انجام می دهد.» به طور کلی اهالی خین عرب برای انجام کارهای درمانی، آموزشی و تردد به شهر باید به کوی امیر بروند و این کار برای زمان هایی که فرد بیماری ای دارد، بسیار دردسرساز و وقت گیر است.



فضای سبزی نداریم

مشکل دیگری که اهالی آن را مطرح می کنند، نداشتن فضای سبز است. آن ها برای اینکه ساعتی در فضای سبز، خستگی کار روزانه را از تن به در کنند، باید از محله خود به سایر محلات بروند. یکی از بانوان که خود را طوسی معرفی می کند، می گوید: «بچه های مادر همین خاک ها و لجن های جوی ها بازی می کنند.» این بانوی ساکن کوچه یاس می افزاید: «بیشتر بچه ها در همین زمین های رها شده که مار ورتیل و عقرب دارد، بازی می کنند. آخر ما نمی توانیم هر روز آن ها را برای بازی به پارک یا فضای سبز محله های دیگر ببریم. نمی دانم چرا شهرداری از همین فضای رها شده برای فضای سبز استفاده نمی کند تا اهالی هم جایی برای تفریح داشته باشند؟» آن طور که رحیمی نیا، امام جماعت مسجد ابو الفضلی ها، می گوید، قرار است کارگاه های چوب فروشی حاشیه خیابان، عقب نشینی کنند و حد این تخریب هم ساختمان ایران خودروست. فضای حاصل مانند قبل از میدان امام حسین (ع) تبدیل به پارک خطی شود، تا اجرایی شدن این طرح باید سال ها

نمی دهد. یوسفی از ۱۰ سال پیش ساکن این کوچه است و خانه اش مشرف به این زمین ها. او می گوید: «بارها معنادران و کارتن خواب ها قفل در خانه مان را شکسته اند که به داخل بیایند. آن ها به همه چیز حتی قلیاق و آچار به چشم ضایعات نگاه می کنند. به واقع از دستشان در امان نیستیم، بانوان حتی برای تردد در شب، مشکل دارند.» یکی دیگر از بانوان می گوید: «زمستان که می شود، در دو آلودگی که اینجا نیمه کاره رها شده، پاتوقی برای کارتن خواب های زن و مرد می شود.» هنگامی که برای تهیه عکس کمی در زمین ها به پیش می رویم، می بینیم در گوشه و کنار این زمین ها چند نفر دور هم جمع شده اند و بدون استرس دیده شدن، مشغول استعمال مواد هستند. عکاس، لنزش را تنظیم می کند تا از چند نفر که در کنار دیوار انبار کوکا مشغول استعمال مواد هستند، عکس بگیرد که آن ها به خودشان می آیند و مخفی می شوند.



در مانگاه نداریم

کارگاه کوچک و بزرگ چوب بری و آهن فروشان در محله هم یکی از مشکلات اهالی است. تردد ماشین های حمل آهن در خیابان ها سبب از بین رفتن آسفالت و ترافیک سنگین شده و گاه تصادف خودروهای سبک با سنگین حتی تلفات جانی هم داشته. در گزارشی که از مرکز صنوف توانا گرفتیم، آن ها هم اشاره کرده بودند که تردد این خودروهای سنگین و حمل بار در روز سبب شده است که برخی مشتریان ترجیح دهند برای تعمیر ماشین به این مکان نیایند. مغازه داران اما صحبت دیگری دارند. آن ها به اتفاق می گویند: «با وجود چندین کارگاه، در این منطقه در مانگاه و دارو خانه آن چنانی نداریم. اگر حادثه ای در حین کار پیش بیاید، باید مصدوم را به کوی امیر ببریم و اگر احتیاج به آمبولانس

